

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

۰۶ اکتوبر، ۲۰۲۶

داکتر زمان ستانیزی

## حرام دانستن نوروز حرام است

قسمت اول

استاد الهیات و عرفان در پوهنتون مطالعات عالی پسیفیکا در کلیفورنیا

حرام دانستن نوروز حرام است زیرا نه حکم قرآن است و نه اصول فقهی چنین حکم میکند. در اسلام عملی حرام پنداشته می شود که زشتی و کراهت آن روشن باشد و با اصول اخلاقی و معیارهای جامعه مدنی در مغایرت باشد. از دیدگاه دینی صلاحیت تحریم منحصر به امر خداوند است و آفریدگار هستی این صلاحیت را حتی به پیغمبرش هم نداده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ...» (آیه اول سورة التحريم) «ای پیغمبر، چرا چیزی را که خدا برای تو حلال کرده بر خود حرام می کنی؟»

در کشوری به نام اسلامی افغانستان که گرایش به سوی احادیث رویهمرفته جعلی رو به تزايد است جای تعجب نیست که ملاها دیگر نه به قرآن رجوع می کنند، و نه به اصول فقه. فتاویی که بعضی ملاهای افغانستان مبنی بر تحریم نوروز صادر می کنند یا بر استناد نادرست اند، یا تعبیر نادرست از مفاهیم نهفته احادیث، یا جعل احادیث از تناقض متن آن روشن است. مثلاً می نویسند:

«تجلیل نوروز حرام است! عید مجوسی ها است. عبدالله بن عمرو رضی الله عنها میفرماید: کسی که به سرزمین عجمی ها عبور نمود، پس نوروز و مهرجان شان را همراهی آنها تجلیل کرده و با آنها مشابَهت کرد تا اینکه به همین حالت مرد، روز قیامت به همراهی آنها حشر میشود. روایت بییهی در السنن الکبر شماره ی حدیث: ۱۸۸۶۳ (نهاد جوانان توحید و سنت)»  
تحلیل و بررسی لازم این مسائل مستوجب وقت بیشتر است که فرصت آن در این نوشته کوتاه میسر نیست، مختصر اینکه:

۱- اگر این حدیث را صحیح بدانیم، باید قبول کنیم که صلاحیت تعیین حلال و حرام را که خداوند طبق آیه اول سورة التحريم به پیغمبرش نداد، جوانان (توحید و سنت) به عبدالله بن عمرو داده  
۲- شخص رسول اکرم مردم را از حفظ و نوشتن احادیث منع می کردند تا با قرآن اشتباه نشوند.  
۳- صرفنظر از تناقض آن با قرآن صحت و سقم اکثر احادیث به سبب فاصله زمان و مکان مورد سؤال است. در زمان حیات رسول اکرم حتی برای نوشتن قرآن وسایل و ابزار نوشتن کم بود که بر استخوان شتر، چرم، پارچه های محدود پاپیروس می نوشتند. کاغذ تقریباً دوصد سال بعد از رحلت رسول اکرم از چین به عربستان رسید. پس اگر به تعداد ۱۸۸۶۳ حدیث که حجم آنها بیشتر از سه برابر حجم آیات قرآن است و دو صد سال بعد از رحلت پیام آور اسلام نوشته شده باشند، بدیهی است که صحت و سقم آنها مورد سؤال قرار می گیرد.

می بینیم که چنین ادعاهای که قرآن را زیر سایه احادیث متناقض قرار می دهند نه تنها از دیدگاه اعتقادی سؤال برانگیز اند، بلکه از روی استدلال منطقی عقلانیت ما را دچار درگیریهایی میکند که در آن ارشاد صریح و مکرر قرآن لَا آیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَعْلَمُونَ «این آیات را برای آنهایی که تعقل می کنند فرستادیم.» (آیه ۱۶۴ سورة بقره) نقض می شود .

در قلب هر دیانت و مذهب اندیشه ها، فلسفه ها، و پندارهای نهفته که رابطه بین انسان و آفریدگارش را پیوند می زند. این پندارهای ذهنی معمولاً رسم و رواج و عرف را از سطح اجتماع به درجه عبادت دینی بالا می برد و بعد به مرور زمان ماهیت آنها از سطح عبادت به عادت و گاه گاه هم به خرافات پائین می آورد که نشانه رکود و عقب مانگی جامعه می گردد. در اکثر موارد آئین ها و مذاهب این رسوم را به گونه ای یکدیگر به عاریت می گیرند. در دنیا هیچ دین یا مذهبی نیست که تمام رسوم دیانتی اش منحصر و مختص به خود آن دین باشد و از رسوم و رواجهای ادیان و مذاهب دیگر متأثر نشده باشد. اسلام از این امر مستثنی نیست خصوصاً این که از قلمرو ادیان همجوارش چون زرتشتی، یهودیت، نصرانیت، هندویی، بودایی، حتی دیانت های دوره جاهلیت شبه جزیره عرب رسوم و آداب و رواجهای را به عاریت و ارث برده است و آنها را با ارزشهای اعتقادی اسلام عیار ساخته جز مراسم دینی خود قرار داده است. این کار از دو نگاه یک ضرورت و یک امر مسلم پنداشته میشد:

اول اینکه اسلام دیانت نو و متمایز نیست بلکه خود را خاتم و مکمل سلسله ادیان توحیدی پیشین می داند که بر بنای آن محمد (ص) خاتم النبیین است و ایمان به انبیا و رسولان پیشین از آدم تا خاتم به امر قرآن (سورة بقره، آیه ۲۸۵) جز ایمان مکمل مسلمانان پنداشته می شود.

دوم اینکه اندیشه خداجوی خصلت ذاتی انسان است و در این راه انسانها همواره از تجارب همدیگر استفاده کرده اند. بناً هم در صدر اسلام و هم در ادوار مابعد آن مسلمانان از تجربه های خداجوی ادیان دیگر استفاده کرده اند. مثلاً مسلمانان چله نشینی را از مصریان، استدلال علم کلام را از یونانیان، پنداره هویت و نقش شیطان را از زرتشتیان، روزه گیری را از یهودیان، روحانیت و تصوف را از نصرانیان، نعت خوانی قول رسول خدا (قول -> قوالی) را به تقلید از هندوان، مراقبه، ریاضت، و ذکر خفی را از بوداییان، و حج را با تعدیلات از پیروان ادیان بدوی شبه جزیره عرب به ارث برده اند.

پس شاخ و برگ بسیاری از مراسم دینی امروزی مسلمانان از ریشه های ادیان قبل از اسلام آب می خورند. اگر قرار بر این باشد که رسوم دیانت های قبل از اسلام را حرام قلمداد کنیم، از پنج بنای مسلمانی جز کلمه توحید هیچ چیز نمی ماند. مسلمانها ناگزیر بسیاری از رسوم دیانت های قبل از اسلام را با تعدیلات از خود ساختند. در بعضی از این مراسم دیانت های قدیم بعد عبادات آن را به توحید و یکتاپرستی مبدل ساختند و در برخی دیگر مراسم ادیان قدیم را از سطح عرف عامیانه به سطح عبادت و پرستش با معیار های بلند تعدیل کرده آنرا با رعایت اصول اعتقاد توحیدی تجلیل کردند.

به این ملحوظ با آنکه کعبه خانه خدا پنداشته می شد که حضرت ابراهیم آنرا یا تعمیر یا ترمیم کرده بود، حج رسم دیرینه عربهای قبل از اسلام بود که در دوره جاهلیت نه تنها نام ماه حج یا ذوالحجه را در تقویم شان گنجانیده بودند، بلکه جنگهای قبیلوی شان در ماهای قبل و بعد از حج به احترام حج حرام گردانیده بودند. و حج و کعبه آنقدر هویت دیانتی عربهای دوره جاهلیت را تعریف می کرد که واقعه جنگ فیل به سرکردگی ابرهه (به استناد سورة ۱۰۵ قران) در عام الفیل یا سال تولد رسول اکرم (ص) مقطع محراق مناقشه بین نصرانیان یمن و بت پرستان مکه آن وقت قرار گرفت.

عربها بعد از اسلام و ایمان آوردن رسوم دوران جاهلیت را ادامه دادند، ولی با صبغه اعتقاد اسلامی. مراسم حج دیگر عبادت لات و منات و عزا نبود، بلکه تمثیل توحید و یکتاپرستی جهانشمول گردید، مراسم صفا و مروه دیگر برای تعظیم به پای دو بت برسر دو تپه نبود، در عوض رسم از تجلیل حضرت هاجر بعد از ولادت حضرت اسمعیل گردید. اقوام آریایی هم بعد از آن که اکثریت آنها به اسلام روی آوردند نوروز را به حیث عبادات آئین زرتشتی نه، بلکه به شکل یک رسم فرهنگی مطابق به اصول اسلام برگزار می کردند، تا آیات و نشانه های زیبایهای

خلقت خداوند را در تجدد حیات و تداوم زمان با ژرفنگری و بینش و فهم عمیقتر مشاهده کرده، آفریدگار هستی را بهتر پرستش و ستایش کنند.

در قران علاوه بر مسمی ساختن سوره های زمان چون والضحی و العصر، و گذرایی زمان

چون سوره الانشقاق، تکویر، انفطار، و الزلزال، آیات بشمارای در باره پدیده های طبیعت نازل شده و خداوند مؤمنان را دعوت می کند تا با پی بردن به مفاهیم نهفته نشانه های هستی اسرار تجدد حیات را در تداوم زمان به وجه بهتر بپرستند. این آیات از انفس تا افاق و از افلاک تا قعر و قلب زمین به پدیده های خلقت اشاره می کنند تا انسان را متوجه این واقعیت بسازد که خوشنمایی هر گلبرگ نمای خوش، نشانه و آیتی از خلقت خداوند لایزال است که زیبایی ذات اقدسش را در آن منعکس و متبلور ساخته، به شرط آنکه به آن به دیده خدا بینی بنگریم.

تجلیل تداوم زمان در قید و قالب تقویمها و تجلیل رستاخیز اقلیم و حیات و بهار از مشخصات همه جوامع و فرهنگهای جهان است. عربها شبه جزیره هم بهار را تجلیل میکردند. نامگذاری ماههای ربیع الاول و ربیع الثانی یعنی بهار اول و بهار دوم که قبل از حذف ماه نسی همراه با موسم بهاری به وقوع می پیوست زمان تجلیل بهار بود. بناً قران هم بر وفق رسوم و اقلیم مردمانی که به آنها در وحله اول نازل شد به این واقعیت شهادت می دهد. اینجا نمونه از اسرار تجدد حیات در تداوم زمان را در آیات پیهم سورة یاسین مطالعه می کنیم و می ببینم که قران با چه صراحت به موسم نوروزی و فصل بهار اشاره می کند:

وَايَةُ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ۳۳

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ۳۴

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ۳۵

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ۳۶

وَايَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ۳۷

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۳۸

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ۳۹

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۴۰

(آیات ۳۳-۴۰ سورة یاسین)